پیکارپامیر
۲۰۱۵ /۱۲ /۲٤

وقایع افغانستان از ۲۰۰۱ تا ۲۰۱٤ میلادی

(بخش ۲٦)

طرح ترورکارمندان دولتی افغانستان واتهامات متقابله

درهمین ارتباط، گزارشهایی به نشررسیدند که حاکی ازبرنامهٔ جدید مقام های اطلاعاتی پاکستان به منظورترورکارمندانِ مؤثردولتِ افغانستان درکابل وسایرولایتِ کشورمانند هرات، قندهار، نیمروز، مزار، تخار، پروان، پنجشیر، فاریاب، بدخشان، غوروزابل بود. یعنی براساس این برنامهٔ جدید، شخصیت های فعال حکومتی اعم ازاداراتِ حقوقی، قضایی، اجرایی وامثالهم بایستی غرضِ تضعیف دولت کرزی وغالباً به منظورهموارسازی راه برای پیشرفتهای گروه طالبان، موردِ حملاتِ مرگبار قرار میگرفتند **(64)** .

درهفتهٔ سوم ماه مارچ ۲۰۱۲م بود که شخصی بنام " محمد مراح" یکتن ازاتباع مسلمان و الجیریایی الاصل فرانسه، دست به کشتارِ هفت تن از بیگناهان آن کشور در منطقهٔ " تریکولور" یازید و قبل از آنکه دستگیر یا کشته شود، با خونسردی تمام اظهارداشت که ازکشتارِ هفت نفر هیچ نادم نیست و اگر بتواند بازهم میکشُد تا انتقامِ کودکانِ فلسطینی را ازیهودیان بگیرد. قرارگزارشِ روزنامهٔ انگلیسی زبانِ کانادا بنام " گلوب ان میل "، تحقیقاتِ دستگاهِ اطلاعاتی فرانسه روشن ساخت که قاتل، قبلاً به وزیرستان شمالی رفته و درآنجا شیوه های کشتار انسان ها را آموزش دیده بوده است. پس بازهم ملاحظه میشود که مهدِ اصلی تروریسم و خونریزی و نا آرامی در منطقه و جهان، خاکِ پاکستان است و باید دیر یا زود، چارهٔ چنین سرطان جهانی سنجیده شود .

اگرچه ادارهٔ حکومتِ کابل پس ازسال ۲۰۰۳ میلادی نیز، موازی با اوج گرفتنِ اقدامات و عملیاتِ تروریستی گروه طالبان علیه خاکِ افغانستان، اظهارات و تمایلاتِ یکطرفه مبنی بر "عفو" تروریستها، حاضرشدن آنان به سر میز مذاکره و پیوستنِ آنها به " زنده گی عادی " و غیره، از خود تبارز داد وبه رهبران آنها کرنش زیادی بعمل آورد، حتا کمسیونی را بنام " کمسیونِ مصالحهٔ ملی " تحت ریاستِ صبغت الله مجددی در چهارچوبِ مجلسِ سنا ایجاد نمود و اما، علی رغم تبلیغاتِ حکومتِ کرزی مبنی بر تسلیم شدن " تروریستها به دولت " ازمجرای این کمسیون و" دست آورد " های موردِ ادعا دراین راستا، عملیاتِ خونینِ تروریستی شامل (کمین کردنها، اختطافها، انفجارهای انتحاری، بمگذاریها، قتل افراد و عناصرِمتنفذِ قومی و محلی، علمای دینی، معلمینِ مکاتب، شاگردانِ ذکور واناث، خبرنگارانِ داخلی، مامورینِ بلند رتبهٔ امنیتی، به آتش کشیدنِ مکاتب) و غیره، روز تا روزگسترش یافت. (طرح مذاکره و معامله با گروه طالبان، دریکی از فصول آینده مفصلتر گنجانیده شده است)

گروهِ طالبان، جنگجویانِ حزبِ اسلامی گلبدین و گروه تروریستی ملاجلال الدین حقانی درمناطق قبایلی که خودشان را تا آنگاه به اندازهٔ کافی تقویت نموده و حمایت های بیدریغ مالی، نظامی و لوژستکی (آی.اس.آی) پاکستان، منابع تروریسم جهانی، شیخ نشین های خلیج فارس، وهابی های عربستان سعودی و یا شاید بعضی از منابع غربی را حاصل نموده و از تجاربِ جنگی و انتحاری عراقی ها ی مربوط به القاعده آموخته بودند، به خصومت ورزیهای مسلحانه و کشتارهای بی باکانهٔ شان شدت بخشیدند. چنانکه نخستین عملیاتِ بزرگِ انتحاری را در ماه جنوری سال 2006م در " سپین بولدک) "مرزمیان افغانستان و پاکستان درجنوب غرب کشور) انجام دادند که دراثرآن، به تعداد بیست و یکنفربه هلاکت رسیدند و پس ازآن و تا همین اکنون که این سطور رقم میخورند، به صدهاعملِ انتحاری وانفجاری درمرکز و ولایاتِ افغانستان، حتا درمیانِ انبوه شهریانِ بیگناه، بیمارستانها، فروشگاه ها، بسهای شهری، تجمعات مردمی، مکانهای رسمی وملی و امثالهم متوسل شده اند که در نتیجهٔ آن، صدها انسانِ مظلومِ وطن کشته شده و

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

ویرانی های سنگینِ مالی به بارآمده است. تذکرِ این نکته را نیزدرهمینجا لازم میدانم که علاوه ازشیطنت های آشکار وپنهانِ مقام های پاکستانی و پشتیبانی های مصممانه و بیدریغانهٔ آنها ازگروه های تروریستی دربرابرِ مردمِ داغدارافغانستان، سیاست های نادرست، نا عادلانه، غیرمنطقی وغیرواقعی دنیای غرب به رهبری ایالات متحدهٔ امریکا تحت عنوانِ " جنگ علیه تروریسم" از یکطرف و موجی از سازش و کُرنشِ حامدکرزی با جنایتکارانِ جنگی، افراد و تشکلاتِ فاسد، بدنام و ضد ملی که هرآن مایهٔ رنجش و نارضایتی ملت شده و میشوند، از سوی دیگر، دربلند بُردنِ روحیهٔ نیروهای تروریستی درافغانستان مؤثر بوده است. مثلاً، وقتی مردم افغانستان مشاهده میکنند که علی رغم قربانی دادن های بی حد وحصرِ چندین ساله وانتظاراتِ دیرینه و برحقِ آنها ازچرخشِ اوضاع جنگی وسیاسی و ... نه تنها چیزی تغییر نکرد، بلکه وضعیتِ سیاسی واقتصادی وامنیتی شان بدتراز پیش هم شد، مادامکه مینگریستند یک قشرِکوچکی ازتفنگدارانِ تنظیمی و جهادی و تکنوکرات های وابسته، صاحبِ ثروتِ قارونی و قدرتِ وسیع دولتی شده اند، آنگاه که می دیدند کشوربا کلیه نهادهایش درآتشِ فسادِ مالی، اداری و سیاسی میسوزد و بالاخره وقتی مشاهده میکردند که علاوه از تروریستها، نیروهای خارجی نیز بدون توجه، دقت و انصاف، هرزمانیکه دلشان میخواست به منازلِ مردم داخل میشدند و طیاره های آنها بیرحمانه بالای شان بمب میریخت و هیچ کسی نبود که به دادِ شان برسد، دولتِ حامد کرزی و نیروهای خارجی به اصطلاح حافظِ صلح را نکوهش میکردند و از شدتِ غیظ و نفرتِ شان علیه گروه طالبان و سایر تروریستان کاسته میشد. چه بسا که پس ازهربمباران کورکورانه و تلفاتِ سنگینِ انسانی، ده ها نفر ناراض و خشمگین به صفوفِ گروه طالبان افزوده میگردید. همینجا بود که مردم افغانستان در مقاطع مختلفِ زمانی و باروشن شدنِ کوچکترین جرقه یی از یک حادثه، دست به تظاهراتِ اعتراض آمیز و خشمآگین میزدند و شعارِ "مرگ به امریکا"، " مرگ به کرزی"، " خارجی ها از مُلک ما گمُ شوید!" و امثالهم را سر میدادند.

یکی از نمونه های روشنِ این نوع تظاهراتِ اعتراضی درآغازِ ماه جون سال ۲۰۰۶ میلادی در شهر کابل بوقوع پیوست. موضوع از اینقراربود که یکعراده موترِ باربَری نظامی امریکایی ها با یکعراده (تکسی) حامل مسافرین متعلق به افغانها تصادف کرد وتلفاتِ انسانی به بارآورد که بالمقابل، سربازانِ امریکایی، با غروربیجای شان، توجهی به حادثه و مرگِ چند تن از افغانها مبذول نداشته صحنه را ترک گفتند، بنابرآن، همین حادثه موجب براه اندازی تظاهراتِ بسیار شدید و خشونت آمیزِ اهالی شهرکابل دربرابرِ نیروهای خارجی و دوایر دولتی گردید. این تظاهراتِ خشم آلود نه تنها بعضاً موجبِ غارتِ مال و منالِ دولتی و غیر دولتی گردید، بلکه مرگ چندین انسانِ وطن را نیزدرقبال داشت. همانطور، تظاهراتِ گستردهٔ اهالی شهرها و ولایاتِ جلال آباد، لغمان، کنر، هرات، فراه، خوست، تخار، غزنی، مزار، پروان و غیره که هرکدامِ آن، تلفاتِ بزرگِ جانی و مالی را درقبال داشت .

سایت انترنتی " ویکیلیکس"، درجملهٔ هزارها سند محرمانه یی را که افشا نمود، اسنادی را که دست داشتنِ دستگاهِ استخباراتِ نظامی پاکستان در یک رشته انفجارها و سؤقصد ها درافغانستان را برملا میساخت، نیز به نشر رسانید. مثلاً، میگفت که **" دستگاه اطلاعاتی پاکستان در چندین عملیاتِ نظامی که در سال های اخیر علیه مردمِ کابل صورت گرفته، دخالت داشته است. باساس همین اسناد که سالهای ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۹ میلادی را احتوا میکند، آی اس آی پاکستان درعملیاتِ سؤقصد بجان حامد کرزی درسال ۲۰۰۸م، درعملیاتِ خونین تروریستی علیه سفارتِ هندوستان درکابل و حمله به طیاره ی نظامی ناتو دست داشته است** " . همچنان در اسنادِ منتشر شده آمده است که **" سازمانِ اطلاعاتِ پاکستان به تعداد یکهزار عراده موترسایکل را برای گروه تروریستی جلال الدین حقانی تسلیم داده است . " (٦٥)**

رادیو " دویچه وله " آلمان، مصاحبه یی داشت با یکی از رهبرانِ جنبشِ آزادیخواه بلوچستان بنام)حیربیارمری). این رهبربلوچی، ضمن این مصاحبه با صراحت اظهار داشت که **" : <u>طالبان در اصل، ارتش پاکستان هستند که یونیفورم به تن ندارند... ما جامعه ی بین المللی را از این مسأله و اهداف شیطانی سازمانِ استخبارات پاکستان (آی اس آی) مطلع کردیم، اما تقاضای ما با لجاجت و سر سختی نا دیده گرفته شد</u> (66) "...**

ماهنامهٔ " پگاه " که درآستانهٔ هجومِ گروهِ مسلحِ طالبان ازشهرکویتهٔ پاکستان بالای قلمرو افغانستان درکانادا نشر و پخش میشد، در شمارهٔ سوم جنوری ۱۹۹۵م خویش، با درکِ عمیقِ ماهیتِ سیاسی – استخباراتی این گروهِ

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

نوظهورچنین نوشت " : **به هموطنان جفا کشیدهٔ خویش هشدار داده میگوییم دراین روزگارِ سختی که دستگاه های بیگانه گانِ جفا پیشه، بُتِ تازه یی {بنام طالبان} بما می تراشند، به آن رنگ و بوی " افغانی " میدهند، اسم و رسمی با پسوند " اسلامی " بدان می بخشایند و خنجرِ تیزی هم درکف اش می نهند و درچارسوقِ قدرت نمایی و بیداد گستری ها رهایش میکنند، دیگر درهمچو مواردِ مهم، خوش باور و زود پذیرنباشند، بلکه هر پدیدهٔ نو ظهورسیاسی – نظامی را با دقتِ کامل و احتیاطِ لازم مطالعه و بررسی نمایند تا " ایکاش " ها را تکرار نکنند " .**

علی رغمِ چنین اظهاراتِ صریح که دربالا خواندید، مقام های حکومتی پاکستان، درمقاطع مختلف ادعا میکردند که گویا " **شماری از شبه نظامیانِ مسلحِ مخالفِ اسلام آباد، با عبور از مرزافغانستان، درپاکستان خرابکاری میکنند** " ؛ ادعایی که هیچ کس درآن زمان نمیتوانست آنرا بپذیرد .

سرانِ حکومتِ پاکستان بی حیایی ها را تا بدانجا رسا نیدند که گورنرِایالتِ شمال غربی آن کشور، طی یک مصاحبه با " اشیا تایمزآن لاین" چنین گفت " : **مسوولیتِ آنچه در افغانستان میگذرد، بدوش جهان است، همه نا خوشی هایی که در این جا ما با آن دست و گریبان شده ایم، همه ریشه در افغانستان دارد و ازآن جا بر میخیزد، ما مدتها میشود با پیامد های آنچه افغانها میکنند، مبارزه میکنیم " .**

باز همین گورنرِ پاکستانی میگوید " : **درست نیست کسی پاکستان را سر زنش و نکوهش کند. ما هیچگاهی ارتش شوروی را دعوت نکرده بودیم. این خود افغانها بودند که این کار را کردند. ما هیچگاهی دهشت افگنانِ بین المللی را همراهی نکرده ایم. این، آی.اس.آی پاکستان نه، بل سرویس های ویژهٔ غربی بودند که به رغمِ مخالفت های آی.اس.آی، آنان را این جا آوردند و از آنان پشتیبانی همه جانبه کردند. " (یاعلی العجب!)**

گورنرِمذکور نگفت که ازهمان آغاز میان شبکهٔ استخباراتِ نظامی کشورش و سرویس های "ویژهٔ " امریکا، انگلیس، " موساد" و دیگران پیرامونِ افغان و افغانستان، چه زد و بند ها، چه معامله گریها و مفاهمه ها وچه امتیازدهی ها و امتیازگیری های بزرگی جریان داشت؟ او هرگز نگفت که جنرال ضیا الحق و حلقهٔ حاکمِ نظامی نزدیک به وی، بخاطرآموزش و پرورشِ همین " دهشت افگنان بین المللی" درخاکِ پاکستان، چند ملیارد دالراز کیسهٔ سی.آی.ای، عربستان سعودی و سایر کشور های غربی بدست آوردند؟ وی همچنان نه خواست این واقعیت را اظهار کند که حکومت مدارانِ کشورش درایجادِ مدارسِ بنیاد گرای تروریست پرور، پایگاه های تمریناتی برای تروریستهای بین المللی، فرستادنِ افسران و سربازانِ خاصِ نظامی (عمدتاً متعلق به آی.اس.آی) بخاکِ افغانستان غرض خرابکاری و کشتار، ترورصد ها شخصیتِ ملی، روشنفکر و آزادیخواه افغانستان درعالمِ غربت و آواره گی، افسون کردنِ رهبرانِ تنظیم های جهادی و بالاخره ایجادِ افتراق و استخوان شکنی های قومی و زبانی میان مجاهدین افغان چه نقش و اثرِ خصمانه و خرابکارانه یی داشته اند؟ بلی ! مقام های پاکستانی همه چیز را میگفتند و میگویند، بجزچنین واقعیت های تلخ و ننگین را. باساس تحقیقاتِ دقیق و گزارش های منابع مؤثق، پس ازسال ۲۰۰۱ میلادی که امارتِ گروه طالبان سقوط کرد و حکومتِ جدید به رهبری حامد کرزی درافغانستان به وجود آمد، گروه های تروریستی طالبان، القاعده، تندروانِ مربوط به تشکلاتِ مذهبی پاکستان و گروه های تحت آموزش (آی.اس.آی)، هفت منطقهٔ قبایلی پاکستان مانند وزیرستان شمالی، وزیرستان جنوبی، کُرم، اورکزی،خیبر، مهمند و باجور، بمثابهٔ کانون تمرین، تجهیزو تسلیحاتِ گروه های مذکور در تحت رهبری و همکاری تنگاتنگ سازمان استخبارات نظامی پاکستان درآمدند. چنانکه رهبرانِ این گروه ها (بیت الله محسود، حافظ گُل بهادر، ملا نذیر، مولوی فضل الله، حاجی عمر، سراج الدین حقانی) و دیگران، دراخیرِماه اپریل سال ۲۰۰۹ میلادی، درمحلِ دوردستی ازوزیرستانِ شمالی گِرد هم آمده پس ازجرو بحث طولانی و بررسی اوضاع، فیصله نمودند که " **وقتی باراک اوما (رییس جمهور یک کشور نا مسلمان) میتواند با آصف علی زرداری و حامد کرزی روسای جمهورِممالکِ مسلمان غرض حمله به پایگاه های طالبان متحد شود، چرا آنها نتوانند دست در دست هم داده علیه آنها به جنگ متوسل نشوند؟** " پس ازهمین نشست و فیصله بود که ملانذیرنام طی تماسِ تلفونی با خبرنگاران، ضمن گزارش این موضوع گفت که " **آنها یک شورای سیزده نفره را تشکیل دادند تا حملاتِ شان بر ضد امریکا را منسجم سازند " .**

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

قراربود جنرال " پرویزمشرف" رییس جمهورپاکستان درنیمه های سال ۲۰۰۳ میلادی با جورج دبلیو بوش درکمپ دیوید ملاقات نماید، ولی قبل از رسیدن ِموعود، آی.اس.آی پاکستان که تا آنگاه دسته هایی ازطالبانِ پاکستانی ومزدورانِ خارجی را مجدداً تجهیزنموده یک رشته عملیات ِچریکی و انتحاری واقدامات اختطاف گرانهٔ افراد و عناصرِ غربی درافغانستان را به راه انداخت تا در موقع ملاقاتِ " مشرف" با رییس جمهورامریکا، برگِ بَرنده یی دردستِ پاکستان باشد. اینکه طی این ملاقاتِ خصوصی میان دو رییس جمهور، بتاریخ بیست و چهارم ماه جون۲۰۰۳م چه سخنها و تعهداتی مبادله گردید، روشن نشد، ولی آنچه پس ازآن دیدارِخاص درافغانستان و منطقه محسوس و ملاحظه گردید، تحرکاتِ بیشترِ گروه طالبان علیه نیروهای خارجی، اشتغال بیشترو گسترده تر نظامی امریکا علیه آنها، برخورد های مسلحانهٔ مرزی میان نظامیان افغانستان و پاکستان و درعین حال، تماسگیری های مخفی امریکایی ها با طالبان درکویتهٔ پاکستان بود. چنانکه نشریهٔ " ایشیا تایمز آنلاین" درهمان شب و روز، تحتِ عنوانِ " چرخشِ امریکا به طرفِ طالبان" افشا نمود که **" امریکاییان با وساطت آی.اس.آی با طالبان در یک پایگاه هوایی در نزدیکی کویته ملاقاتِ سِری نمودند. هدف از این مذاکرات، بحث پیرامونِ اشتراک ِطالبان در قدرت در کابل میباشد "** .موازی با این جریان، "فرانک هگن بک" فرمانده نظامی امریکا درمیدان هوایی بگرام، ضمن یک مصاحبهٔ انترنتی با منابع بریتانیایی اظهارداشت که **" طالبان و متحدینِ آنان درخاکِ پاکستان آرایش مجدد داده شده و جنگجویانِ جدید ازمدارسِ پاکستان در کویته استخدام میگردند که منابع اقتصادی آنان را قاچاقِ موادِ مخدر تشکیل میدهد "**.آنچه پس ازملاقاتِ مذکور توسط جورج دبلیو بوش اعلان شد، این بود که " :**امریکا وجه سه ملیارد دالر را برای پاکستان تحویل خواهد داد و مبلغ یک ملیارد دالر دیگر هم از سرجمعِ دیونِ آن کشور خواهد کاست " .**

آری! بازارِ چنین بازیهای پیچیدهٔ سیاسی و اطلاعاتی و بذل و بخشایشِ دریا دلانه درمیان بود و هست که پاکستانیها نمیخواهند سر چشمهٔ آنرا که عبارت ازهمان نگهداری و حمایت از گروه های تروریستی است ، بخشکانند .درعین حال، مقام های امریکایی نیز تا کنون نخواسته اند جلوتروریست پروریها و حمایت های مخفی و علنی حکومت مداران پاکستانی از آنان را سد سازند .

درعین حال، نشریهٔ انترنتی " امید وطن" نوشت که **" : همزمان با واگذاری یک سوم از بودجهٔ (سی .آی. ای) به سازمانِ استخباراتی پاکستان، یک روزنامهٔ امریکایی خبر داد که شماری از ماموران ِاستخباراتی پاکستان سر گرم ِگذراندن ِدوره های آموزشی در سازمان جاسوسی امریکا هستند "** .نشریهٔ مذکور علاوه میکند **" : به نوشتهٔ روز نامهٔ لوس انجلس تایمز، سازمانِ جاسوسی امریکا ملیونها دالر در اختیارِ سازمانِ جاسوسی پاکستان قرار داده و از ماموران ِامنیتی آن کشور برای پاره ای آموزش های ویژه دعوت کرده است " (٦٧)**

همچنان، نشریهٔ مذکورازقولِ " لوس انجلس تایمز" می افزاید " :**سازمانِ جاسوسی پاکستان برای همکاری با سی آی ای (تاکنون صد ها ملیون دالرپول به جیب زده است و در حالِ حاضر، یک سوم بودجهٔ سالانهٔ سازمان جاسوسی امریکا را برای کشتنِ شبه نظامیان یا دستگیری آنها بخود اختصاص داده است . " (٦٨)**

مادامکه چنین بازیهای مخفیانه و نزدیکی های خاصِ دو کشورمذکور ملاحظه میشد، چنین استنباط میگردید که ایالات متحدهٔ امریکا غالباً برنامه های سّری و دراز مدتِ دیگری غیراز" جنگ علیه تروریسم " را درپیش خواهد داشت. درغیرآن، آموزش دادن ها ی علمی و فنی، بذل و بخشایشِ صد ها ملیون دالری، مبادلهٔ استمراری جاسوسان و فنآوری های اطلاعاتی ونا دیده گرفتنِ همه گونه شیطنت ها، دروغگویی ها و دو رویی های جانبِ پاکستان چه معنی را میرساند؟

زلمی خلیلزاد که دراین موقع بمثابهٔ سفیرایالات متحده درافغانستان ایفای وظیفه میکرد، بتاریخ پانزدهم ماه جولای ۲۰۰۳م دریک کنفرانسِ مطبوعاتی درکابل گفت **" پاکستان باید تمام تلاش های خویش را به خرج دهد تا جلوِ عبورِ طالبان را از خاک خویش به افغانستان بگیرند. . . نباید به طالبان اجازهٔ عبور داده شود. . . ما صد فیصد تضمین میخواهیم نه پنجاه فیصد و ما میدانیم که طالبان در کویته ی پاکستان برنامه ریزی میشوند " .**

ادامه دارد

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ